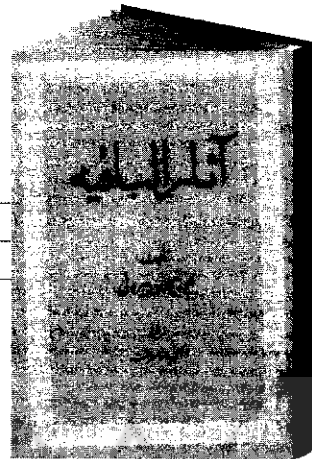




یادگار روزگاران

• فاطمه ترکچی

■ آثارالباقية عن القرون الخالية
■ ابوریحان بیرونی



مقدمه:

در این مقاله به معرفی «آثارالباقية عن القرون الخالية» که تا حد زیادی مبین نوع اندیشه نویسنده خود، ابوریحان، محمد بن احمد بیرونی است، پرداخته است. همچنین، معرفی نویسنده، موضوع کتاب، انگیزه نگارش آن، ادبیات و نوع نگارش اثر، مباحث مورد توجه بیرونی، منابع مورد استناد وی و معرفی فصل‌ها و بخش‌های کتاب از دیگر مطالب این بحث است.

ابوریحان بیرونی کیست:

ابوریحان، محمد بن احمد، ریاضیدان و فیلسوف ایرانی در ۳۶۰ یا ۳۶۲^۲ هجری قمری در خوارزم دیده به جهان گشود. زادگاه وی، خوارزم در شمال منطقه ماوراءالنهر و رود جیحون و جنوب دریاچه خوارزم (آرال امروزی) واقع بود - و هست - و به همین لحاظ، این ایالت در شمار مهم‌ترین، حاصل‌خیزترین، غنی‌ترین و آبادترین ایالات ایران - البته تا پیش از تغییر رود جیحون، یعنی حدود سده‌های ۹ و ۱۰ ق.^۳ - قرار گرفته بود. بدین روی، شاید بتوان گفت، مساعدبودن آب و هوا و شرایط طبیعی خوارزم بر اندیشه و شخصیت بیرونی و دیگر دانشمندان آن سامان اثر موافق گذارده است.

وی ابتدا در خدمت «مأمونیان خوارزم، معروف به خوارزمشاهیان» بود^۴ و سپس مدتی را در دربار قابوس بن وشمگیر زیاری (شمس المعالی) به سر برد و کتاب «آثارالباقية عن القرون الخالية» را به نام وی تألیف کرد.^۵ چند سال بعد، بیرونی مجدداً به خوارزم بازگشت اما محمودغزنوی در مراجعت

به غزنین، وی را با تعدادی از بزرگان دربار خوارزمشاه با خود همراه کرد. البته این بدان معنا نبود که ابوریحان دیگر به موطن خود بازنگشت، بلکه پس از آن چندبار دیگر به خوارزم سفر کرد و در بیشتر غزوات محمودغزنوی به هندوستان در ملازمت او بود. این جریان، فرصتی بود تا بیرونی با دانشمندان و حکمای هندی مجالست داشته باشد و با زبان سانسکریت آشنایی یابد، بر گستره معلومات خود بیفزاید و در نهایت، مقدمات نگارش کتاب ارزشمند «تحقیق ماللهند» فراهم آید. به جز این، ابوریحان، صد و سه مقاله و کتاب از خود به جای گذارده است که از آن میان می‌توان به «قانون مسعودی»، «استخراج الاوتار»، «افراد المقال فی امر الاخلال»، «تمهید المستقر لمعنی الممر»، «راشیکات»، «تحدید النهایات الاماکن»، «مقالید علم الهیة»، «الاستیعاب فی وجوه الممكنة فی صنعة الاضطراب»، «تسطیح الصور»، «تصحیح المبادی»، «تصویر الکواکب و البلدان»، «الجماهر فی معرفة جواهر»، «التفهیم»، «پاتنجلی»، «مقاله‌ای در استخراج مساحت زمین با رصد انحطاط افق از قله جبال»،

«رساله‌های فارسی در احکام نجوم»، «رساله‌های بسیار مختصر درباره اصطلاحات» و ... اشاره کرد.

ابوریحان، سرانجام پس از سال‌ها تحصیل و تلاش در وادی علم، در ۴۴۰ ق. در غزنین بدرود حیات گفت.^۶

در مورد مذهب بیرونی نمی‌توان به قطع و یقین سخن گفت، اما به احتمال زیاد و با توجه به مطالب زیر، مندرج در «آثارالباقیه»، شیعه بوده است:

۱- به هنگام توضیح «غدیرخم» به عنوان یک مکان، به «حجة الوداع» و جانشینی حضرت علی (ع) می‌پردازد.^۷

۲- در یک مورد نیز ابن ملجم را «ملعون» لقب می‌دهد.^۸

۳- در موردی دیگر به بهانه شرح «روز عاشورا» به عنوان یکی از روزهای مهم عرب، به «واقعه طف» اشاره می‌کند و امام حسین (ع) را با لقب «سیدالشهدا» و «کربلا» را محل «تربت مسعود حسین (ع)» معرفی می‌نماید.^۹

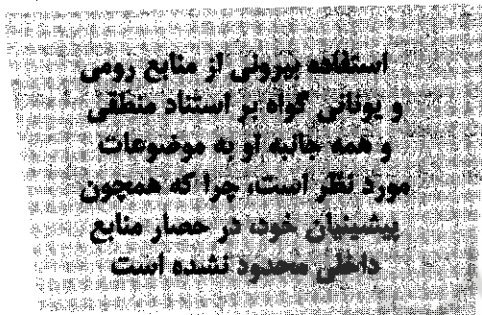
۴- در ذکر ماه‌های عرب و در بخش «ذوالحجه» به «واقعه حره» و مدینه گریز می‌زند و بر بنی امیه و «اعمال قبیحه» ایشان لعن می‌فرستد.^{۱۰}

با این همه، نمی‌توان شیعه بودن او را قطعی دانست، زیرا در این زمان، معتزله در جامعه ایران حضوری فعال داشته‌اند.

بنابراین، شاید موارد بالا به جنبه عقل‌گرایانه افکار و اندیشه‌های بیرونی اشاره داشته باشد، نه گرایش‌های مذهبی و شیعه بودن او. اما به طور کلی، تمامی این موارد، یعنی ایرانی بودن و معتزله بودن وی، حاکی از ایدئولوژی ابوریحان است.

درباره «آثارالباقیه»:

«آثارالباقیه عن القرون الخالية» عنوان یکی از مهم‌ترین تألیفات ابوریحان بیرونی است که در زمان شمس‌المعالی، حکمران زیاری و به نام او نوشته شده است. بنا به گفته نویسنده، انگیزه او از نگارش این کتاب، آن بوده است که «یکی از ادبا از تواریخی که ملل به کار می‌بندند و اختلافاتی را که در اصول مبادی آنهاست و فروع که شهور و سالیان است و عللی که باعث اختلاف شده و سایر اعیاد و ایام مشهور که هر یک را برخی از امم استعمال می‌کنند، از من خواست که این مسائل



را با بیان واضحی که قابل فهم باشد، برای او شرح دهم تا او را از خواندن کتاب‌های گوناگون و پرسش از یک اهل این کتاب بی‌نیاز کند.»^{۱۱} بنابراین، او کتاب خود را در موضوعات بالا، یک اثر جامع معرفی می‌کند که اساساً تاریخی است؛ اما این به معنی عدم حضور جغرافیا در کتاب نیست. رودخانه‌ها، قنوات و چشمه‌سارها^{۱۲}، کره زمین^{۱۳}، خورشید و گرمای آن^{۱۴}، «پاره‌های از عجایب طبیعی» مانند کوه‌ها و باران^{۱۵}، دریاچه‌ها^{۱۶}، فصول^{۱۷}، آب^{۱۸} و ... از جمله عوامل و عناصر جغرافیایی است که در این کتاب به بحث گذارده شده‌اند. مکان‌هایی مانند آذربایجان^{۱۹}، بغداد^{۲۰}، ری^{۲۱}، ایران^{۲۲} (به طور کلی)، خوارزم^{۲۳}، دریای خزر^{۲۴}، امل^{۲۵}، شام^{۲۶}، باب‌الابواب (دریند)^{۲۷}، ساوه^{۲۸}، ارمنیه^{۲۹} و ... نیز مورد توجه بیرونی بوده‌اند.

این کتاب، به لحاظ دقت نظر نویسنده در دیده‌ها و شنیده‌ها^{۳۰} و به کارگیری منابع جغرافیایی گذشته مانند مسعودی^{۳۱}، «مسالک و ممالک ابن خردادبه»^{۳۲}، «مسالک و ممالک جیهانی»^{۳۳}، «زیج کامل محمد بن عبدالعزیز هاشمی»^{۳۴}، «رساله اوقات دعای یعقوب ابن اسحاق کندی»^{۳۵}، «علی بن علی، کاتب نصرانی»^{۳۶}، «سنان بن ثابت»^{۳۷}، «ثابت بن سنان»^{۳۸}، «مدخل در صناعات کره اثر بطلمیوس»^{۳۹}، «جالینوس»^{۴۰}، «قالیبس»^{۴۱}، «مطروذورس»^{۴۲}، «دیموقریطس»^{۴۳} و ... و همچنین جغرافی دانان معاصر خود، موجب الگوبرداری نویسندگانی چون قزوینی^{۴۴} شده است. به ویژه در زمینه نقشه‌نگاری جغرافیایی، نظریات بیرونی پیروان بسیاری یافت. او به وضوح حدود قسمت‌های مسکون زمین را در زمان خود شرح می‌دهد که در این زمینه، منابع اطلاعات وی «آثاری از معاصرانش» بوده است.^{۴۵} مباحثه او با

ابوعلی سینا در مورد «حرارت آفتاب»^{۴۸} دلیل این مدعا است. استفاده بیرونی از منابع رومی و یونانی گواه بر استناد منطقی و همه جانبه او به موضوعات مورد نظر است، چرا که همچون پیشینیان خود، در حصار منابع داخلی محدود نشده است. این رویکرد بیرونی به منابع از دو جهت دارای اهمیت است:

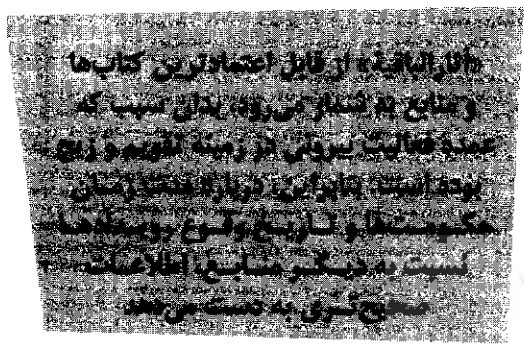
- ۱- کتابها و منابع گمشده و یا غیر قابل دسترس را معرفی می کند
- ۲- نظرات موافق و مخالف نویسندگان غیر ایرانی را ارائه می دهد

بیرونی به آیات و داستان های قرآن^{۴۹} و نیز ۴۱ مورد شعر عربی^{۵۰} استناد کرده است. به دلیل عربی بودن متن، هیچ شعر فارسی به جز اشارات مترجم^{۵۱} در پانویس به اشعاری از فردوسی، نظامی و دیگران^{۵۲} در «آثارالباقیه» نیامده است.

به لحاظ نگرش تاریخی، «آثارالباقیه» از قابل اعتمادترین کتابها و منابع به شمار می رود، بدان سبب که عمده فعالیت بیرونی در زمینه تقویم و زیج بوده است. بنابراین، درباره مدت زمان حکومتها و تاریخ وقوع رویدادها نسبت به دیگر منابع، اطلاعات صحیح تری به دست می دهد. ملل و نحل و مناسک و آداب و رسوم آنها از جمله مواردی است که اطلاعات جامعی از آنها در «آثارالباقیه» گنجانده شده است. بیرونی در این کتاب به تاریخ اجتماعی و فکری نیز توجه کرده است و بدین لحاظ، «آثارالباقیه» یک دگرگونی بنیادین و قابل توجه در آثار به جای مانده از سده های ۴ و ۵ ق. به وجود آورد. گردیزی از جمله مورخان تأثیرپذیرفته از «آثارالباقیه» بیرونی است. ابوریحان، خود از منابع تاریخی چون «تاریخ طبری»^{۵۳}، «سنی ملوک الارض و الانبیای حمزه اصفهانی»^{۵۴}، «شاهنامه ابن بلخی»^{۵۵}، «سیرالملوک ابن مقفع»^{۵۶} و ... استفاده نموده است.

بیرونی با بهره گیری از روش عقلانی و با رویکرد معرفت شناسانه سعی کرده است مطالب را به صورت تطبیقی ارائه دهد. وجود ۱۰۸ جدول^{۵۷} در میان مطالب کتاب، این ادعا را ثابت می کند.

پیش از این گفتیم که متن اصلی کتاب به زبان عربی



است و دریافت های ما از ترجمه متن حاصل شده است. اما از آنجا که روانی و یا متکلف بودن ترجمه یک متن به اصل آن بستگی دارد، به نظر می رسد، «آثارالباقیه» نیز در اصل، متنی روان و ساده داشته باشد.

نتیجه :

با توجه به آنچه که تا کنون دانسته شد، نقش تاریخ در «آثارالباقیه» پررنگ تر از جغرافیاست، اما این موضوع از اهمیت اطلاعات جغرافیایی کتاب نمی کاهد. بیرونی از یک سو، با ارائه تطبیقی و انتقادی منابع مورد استناد خویش، بی تردید در تألیف عقل گرایانه و مقایسه ای آثار تاریخی - جغرافیایی نخستین گام را برداشت، به گونه ای که کسانی چون گردیزی و قزوینی از او الگو برداری کرده اند. از سوی دیگر، با نقشه برداری و اندازه گیری موضع جغرافیایی بسیاری از شهرها، طول قوس درجه را بر روی نصف النهار حساب کرد.

بی گمان، اشراف او بر ریاضیات و زیج، مسافرت های او به هند و بلاد اسلامی و آشنایی و هم نشینی و گفت و گو با بزرگانی چون ابن سینا و ابوالحسن آذرخواری مهندس، توجه به جغرافیای انسانی، بی طرفی و عقل گرایی او در برداشت و گزینش منابع مورد استناد و بالاخره، بهره گیری وی از حمایت شمس المعالی، که در آن صورت می توانست از منابع و مستندات استفاده کند که ممکن بود به راحتی در اختیار دیگران قرار نگیرد، از رموز موفقیت بیرونی نه تنها در «آثارالباقیه» بلکه در دیگر تألیفاتش نیز بود، به نحوی که وی را در زمره جغرافی نویسان صاحب سبک کلاسیک ایران وارد نمود.

پی نوشت‌ها :

۱. ابوریحان بیرونی، آثار الباقیة عن القرون الخالیة، ترجمه اکبر داناسرشت (تهران: ابن سینا، ۱۳۵۲)، ص یک.
۲. معین، ج ۱۳، ۱۳۷۸، مدخل «بیرونی»
۳. لسترنج، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۷)، ص ۴۸۴ و ۴۸۶.
۴. معین، همان مدخل.
۵. بیرونی، ص ۳.
۶. همان، ص دو - چهار.
۷. همان، ص یک.
۸. همان، ص ۴۶۰.
۹. همان، ص ۴۵۶.
۱۰. همان، ص ۴۵۱ و ۴۵۲.
۱۱. همان، ص ۴۶۰ و ۴۶۱.
۱۲. همان، ص ۲.
۱۳. همان، ص ۳۴۹ و ۳۵۱.
۱۴. همان، ص ۳۴۵.
۱۵. همان، ص ۳۴۲.
۱۶. همان، ص ۳۲۷.
۱۷. همان، ص ۳۵۴.
۱۸. همان، ص ۳۵۸، ۳۶۰ و ...
۱۹. همان، ص ۳۶۸ - ۳۶۶.
۲۰. همان، ص ۶۶ و ...
۲۱. همان، ص ۹۸، ۸۰، ۴۵۱ و ...
۲۲. همان، ص ۳۰۲، ۶۵، ۴۶۶ و ...
۲۳. همان، ص ۱۶۱، ۱۶۴، ۵۴۶ و ...
۲۴. همان، ص ۱۸، ۵۶، ۲۶۰، ۳۲۷ و ...
۲۵. همان، ص ۸۹.
۲۶. همان، ص ۲۸۹.
۲۷. همان، ص ۳۳، ۴، ۵۱۴، ۵۵۰ و ...
۲۸. همان، ص ۶۰.
۲۹. همان، ص ۲۸۸.
۳۰. همان، ص ۶۰.
۳۱. همان، ص ۳.
۳۲. حسین قرچانلو، جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی، ج ۱ (تهران: سمت، ۱۳۸۰)، ص ۱۰۹.
۳۳. بیرونی، ص ۶۶ و ۳۲۷.
۳۴. همان، ص ۳۵۵.
۳۵. همان، ص ۴۲۵.
۳۶. همان، ص ۳۴۰.
۳۷. همان، ص ۳۶۴.
۳۸. همان، ص ۳۲۴، ۳۶۶، ۴۴۶ و ...
۳۹. همان، ص ۳۲۳.
۴۰. همان، ص ۱۶، ۵۰، ۳۶۰ و ۴۴۵.
۴۱. همان، ص ۳۲۳ و ۳۲۴.
۴۲. همان، ص ۳۲۵، ۳۳۴، ۳۶۸ و ...
۴۳. همان، ص ۳۲۸، ۳۶۰ و ۳۶۸ و ...
۴۴. همان، ص ۳۲۵، ۳۳۳، ۳۶۹ و ...
۴۵. قرچانلو، ص ۱۱۶ و ۱۲۲. شاید، منظور قرچانلو از قزوینی، زکریا، عمادالدین ابن محمد بن محمود قزوینی، نویسندهی «آثار البلاد و اخبار العباد» است.
۴۶. همان، ص ۱۲۲.
۴۷. همان، ص ۱۱۰.
۴۸. بیرونی، ص ۳۴۵ - ۳۴۳.
۴۹. همان، ص ۱۴ - ۱۲، ۳۶، ۳۷ و ...
۵۰. همان، ص ۱۹، ۵۳، ۵۴ و ...
۵۱. منظور، اکبر داناسرشت است.
۵۲. همان، ص ۳۶۷، ۳۷۱، ۳۹۲ و ...
۵۳. همان، ص ۶۶.
۵۴. همان، ص ۱۶۴.
۵۵. همان، ص ۱۴۲.
۵۶. همان، ص ۱۴۲.
۵۷. همان، ص ۴۰، ۱۰۴، ۱۳۵، ۱۴۸، ۱۵۶ و ...